

محرومیت بودجه‌ای

علی حیدری - عضو و نایب‌رئیس هیأت‌مدیره سازمان تأمین‌اجتماعی نوشت: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دومین گزارش خود در خصوص لایحه بودجه سال آینده را منتشر کرده و یکی از نقایص بزرگ لایحه بودجه را عدم پیش‌بینی بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین‌اجتماعی دانسته است....

به گزارش سایت خبری پرسون، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دومین گزارش خود در خصوص لایحه بودجه سال آینده را تحت عنوان "بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۲)؛ بودجه به زبان ساده" منتشر کرده است. این مرکز در گزارش قبلی و این گزارش یکی از نقایص بزرگ لایحه بودجه را عدم پیش‌بینی بازپرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین‌اجتماعی دانسته است. در گزارش اخیر به زبان ساده و تحت سرفصل "مصارف نانوشته" و در تبیین این مفهوم آمده است "مصارفی که به موجب تکالیف و تعهدات قانونی دولت باید پرداخت شوند اما یا در بودجه دیده نشده‌اند و یا کمتر از مقدار واقعی برآورد شده‌اند" و "تعهدات دولت در قبال صندوق‌های بازنشستگی و سازمان تأمین‌اجتماعی" به‌عنوان مصادیق مصارف نانوشته لایحه بودجه ۱۴۰۲ قید شده‌اند.

البته بایستی توجه داشت که تعهدات دولت در قبال سازمان تأمین‌اجتماعی از جنس بدهی‌های بیمه‌ای جاری و معوقه بوده و با تعهدات دولت در قبال سایر صندوق‌های بازنشستگی که غالباً از جنس کمک بلاعوض و تأمین کسری می‌باشد، کاملاً متفاوت است. وفق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تعهدات و تکالیف قانونی و مقرراتی دولت در قبال بیمه‌شدگان، مستمری‌گیران و کارفرمایان مشمول قانون تأمین‌اجتماعی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ لحاظ نشده است و به‌نظر می‌رسد نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی بایستی به نظرات کارشناسی این بازاری پژوهشی خود احترام گذاشته و احکام، تبصره‌ها و ردیف‌های بودجه‌ای لازم برای بازپرداخت بدهی‌های بیمه‌ای دولت به سازمان تأمین‌اجتماعی را در فرایند بررسی و تصویب لایحه لحاظ نمایند. به بیان دیگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور بر محرومیت بودجه‌ای قشر عظیمی از نیروهای مولد و زحمتکش جامعه که همانا مشمولین قوانین کار و تأمین‌اجتماعی می‌باشند صحنه گذاشته و آن‌را به زبان ساده در گزارش خود بیان کرده است:

"کفاره شراب‌خوری‌های بی‌حساب هشیار در میانه مستان نشستن است" (صائب تبریزی)

البته این رویه و رویکرد دولت‌ها، مسبوق به سابقه است و اتفاقاً مجلس و دولت حاضر میراث‌دار انباشت سنواتی اثرات این رویکرد بودجه‌ای دولت‌های سابق می‌باشند و خاک‌هایی که دولت‌های قبل زیر فرش پنهان ساخته‌اند الان دیگر به چنان وسعت و حجمی رسیده است که دیگر برای سازمان تأمین‌اجتماعی قابل تحمل نیست و اگر در گذشته سازمان می‌توانست عدم ایفای بدهی‌ها را از جیب سایر کارگران بپردازد ولیکن طی یک دهه اخیر و به‌ویژه پس از اجرای طرح تحول سلامت در دولت قبل، دیگر سازمان قادر به تأمین نقدینگی برای ایفای تعهدات بیمه‌ای و درمانی جاری خود نیست.

بایستی توجه داشت که بدهی‌های بیمه‌ای دولت به سازمان تأمین‌اجتماعی در اصل حقوق حقه نیروی کار و نیز یارانه‌ها؛ ای‌ها بیمه‌ای است که دولت‌ها و مجالس قبلی به‌هر دلیلی و به‌هر تقدیر برای ابقاش از بیمه‌شدگان و کارفرمایان قائل شده‌اند و به سازمان تأمین‌اجتماعی تکلیف کرده‌اند که با حق بیمه نسبی، خدمات جاری و ساری به ذی‌نفعان موصوف ارائه نماید. به‌عبارت دیگر سازمان تأمین‌اجتماعی هیچ بودجه و اعتبار و کمک مستقیمی از دولت دریافت نکرده و نمی‌کند.

بیمه‌های اجتماعی در دنیا و ایران ابتدا یک‌جانبه بود و غالباً حق بیمه از سوی کارگر پرداخت می‌شد. بعدها پرداخت بخشی از حق بیمه توسط کارفرما جزو حقوق بنیادین کار و از متفرعات نظام مزدی قرار گرفت که برعهده کارفرما است و بعدها با بسط وظایف دولت‌ها، پرداخت بخشی از حق بیمه به‌عهده دولت گذاشته شد؛ ولی این سهم کمک دولت به سازمان بیمه‌گر نیست بلکه سهم دولت در حق افراد بیمه‌شده است.

در ایران هم ابتدا در دهه اول و در بیمه کارگران طرق و شوارع، حق بیمه از حقوق کارگر کسر می‌شد و در اواخر دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ بیمه‌های اجتماعی کارگران دوجانبه شد و کارگر و کارفرما حق بیمه را می‌پرداختند و در سال ۵۴ و در زمان تصویب قانون تأمین‌اجتماعی در شورای اقتصاد و مجلسین، سه درصد سهم برای دولت در نظر گرفته شد که این هم سهم و حق بیمه‌شده است و نه کمک دولت به سازمان تأمین‌اجتماعی. بایستی دقت کرد که قانون تأمین‌اجتماعی در شورای اقتصاد (؟) تصویب شد. اتفاقاً صورت مذاکرات شورای اقتصاد موجود است که مرحوم دکتر شیخ‌الاسلام گزارش می‌دهد به شاه سابق و رئیس شورای اقتصاد و می‌گوید که ما محاسبات بیمه‌ای را با کمک کارشناسان خارجی انجام داده‌ایم و حق بیمه سی درصد شده و تقسیم حق بیمه بین کارگر و کارفرما و دولت را می‌گوید و شاه از سهم دولت کم و به سهم کارفرما اضافه می‌کند ولی سرجمع حق بیمه تغییری نمی‌کند. کما اینکه دولت در حال حاضر ۱۰ درصد حق بیمه کشاورزان و روستائیان و عشایر را می‌پردازد یعنی دو برابر بیمه‌شده و در مورد بیست صندوق کارمندی هم دولت از منظر حاکمیتی و از منظر کارفرمایی حق بیمه قابل توجهی پرداخته و می‌پردازد؛ ضمن اینکه طی یک دهه اخیر حجم قابل توجهی کمک بلاعوض برای تأمین کسری صندوق‌های کارمندی در بودجه دولت لحاظ و یا در جوف هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی مربوط به صندوق‌های کارمندی به‌صورت بلاعوض اختصاص می‌دهند.

براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی پذیرفته شده توسط ایران، دولت‌ها مکلف و مبعوث به تأمین سطح پایه تأمین‌اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی برای آحاد جامعه هستند و در اصول ۴۳ و ۳ و ۲۹ و ۲۱ قانون اساسی، دولت ایران هم مکلف و مبعوث به رفع محرومیت بیمه‌ای و تأمین نیازهای اساسی اقشار فرودست مردم می‌باشد و این امر اخیراً در سیاست‌های کلی تأمین‌اجتماعی هم تصریح شده است و رفع محرومیت

بیمه‌ای تکلیف دولت در اصول ۳ و ۴۳ قانون اساسی و بندهای ۱ و ۵ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی است. فلذا بخش قابل توجهی از بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی بابت تقبل پرداخت حق بیمه به جای کارفرما و یا بیمه شده است و دولت‌ها و مجالس قبلی به هر دلیل و سیاستی خود این پوشش‌های بیمه‌ای نسبه را به سازمان تأمین اجتماعی و به نفع اقشار خاصی از کارفرمایان و بیمه‌شدگان تحمیل نموده و سازمان تأمین اجتماعی مکلف شده است که این خدمات را مستمراً و علیرغم عدم دریافت حق بیمه‌های مربوطه، به ذی‌نفعان ارائه نماید. در هر صورت سازمان تأمین اجتماعی از دولت کمک و اعتبار و بودجه‌ای مستقیماً و برای خودش دریافت نکرده است و حتی دولت از سازمان زمان جنگ وام گرفته که هنوز پس نداده است، دولت ساخت صد بیمارستان را بعد از جنگ به سازمان تأمین اجتماعی تحمیل کرد که ۲۹ تایی آنها را بعد از ساخت از سازمان مزبور خرید و هنوز پولش را نداده است. همچنین دولت در مواقع جنگ و سیل و زلزله و آتش‌سوزی و کرونا نه تنها یک ریال به سازمان تأمین اجتماعی کمک نکرده است (در مقابل هزاران میلیارد کمک به وزارت بهداشت و بیمه سلامت و...) بلکه حتی هزینه درمان بیماران غیر بیمه شده بستری در بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی را هم نپرداخته است.

نکته حائز توجه اینکه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور، اولین قانونی است که پس از ابلاغ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی (۱۴۰۱/۰۱/۲۱) تدوین شده و تصویب خواهد شد و علی‌القاعده بایستی قانون بودجه سال آینده براساس احکام مندرج در این سیاست‌های کلی تنظیم شود و مطابق سند الزامات تحقق سیاست‌های کلی نظام این موضوع بایستی علاوه بر دولت، ملاک عمل و سرلوحه کار مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در فرایند تصویب و تأیید طرح‌ها و لوایح قرار گیرد.

بند ۴ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی بر "جلوگیری از ایجاد و انباشت بدهی‌های دولت" به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی تصریح و تأکید دارد و در بند ۳ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی نیز بر "لزوم حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی" تأکید شده است ولیکن در لایحه بودجه ۱۴۰۲ برای بازپرداخت بدهی‌های بیمه‌ای معوقه و سنواتی دولت (بالغ بر ۶۰۰ هزار میلیارد تومان) و نیز ایفای نقدی تعهدات بیمه‌ای جاری دولت ایجاد می‌شود و در سال ۱۴۰۲ (بالغ بر ۲۰۰ هزار میلیارد تومان) ردیف و اعتبار متناسبی پیش‌بینی نشده است و این امر باعث محرومیت بودجه‌ای نیمی از جمعیت کشور می‌شود و رجاء واثق دارد که مجلس محترم در فرایند تصویب لایحه و بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور این نقیصه را بر طرف و مغایرت لایحه مزبور با سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی را رفع و اگر اعتبار لازم برای بازپرداخت بدهی‌های معوقه و سنواتی را لحاظ نمی‌کند حداقل ۲۰۰ هزار میلیارد تومان تعهدات بیمه‌ای جاری دولت به بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی را در بودجه لحاظ کند. در هر صورت سازمان تأمین اجتماعی یک صندوق مشاع، بین‌النسلی، حق‌الناس و امانت مردم و "بار شیشه" است و بایستی آن را مراقبت نمود.

"ساغر لطیف و دلکش و می افکنی به خاک اندیشه از بلای خماری نمی‌کنی؟! (حافظ)

و بایستی مراقبت نمود که سازمان تأمین اجتماعی که در ادوار گذشته مدیریت تبعات تصمیمات سیاسی ادوار مختلف دولت و مجلس را برعهده داشته است بیش از این دچار عدم تعادل منابع و مصارف و کسری نقدی نشود و نگذاریم که کفاره شراب‌خوری‌های بی‌حساب گذشته از جیب بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران پرداخته شود.